

به نام خدا

هم افزایی مغزی (یکپارچه سازی روان شناسی و آموزش)

مولفان :

مهدی اصغری کلوانق

مهدیه نجاری زرنقی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: اصغری کلوانق، مهدی، ۱۳۷۵-
عنوان و نام پدیدآور: هم افزایی مغزی (یکپارچه سازی روان شناسی و آموزش) / مولفان مهدی
اصغری کلوانق، مهدیه نجاری زرنقی.
مشخصات نشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۱۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۷۲۹-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه: ص ۱۱۷-۹۱.
موضوع: آموزش - روان شناسی - هم افزایی مغزی
شناسه افزوده: نجاری زرنقی، مهدیه، ۱۳۷۹
رده بندی کنگره: LC۴۷۴۱
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۹۰۹۸۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۲۳۱۹۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: هم افزایی مغزی (یکپارچه سازی روان شناسی و آموزش)
مولفان: مهدی اصغری کلوانق - مهدیه نجاری زرنقی
ناشر: ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۰۷۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۷۲۹-۵
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: مبانی هم افزایی مغز.....
۵	کاوش در تقاطع روانشناسی و آموزش
۸	درک نوروپلاستیسیته: توانایی مغز برای سازگاری و یادگیری
۱۱	نقش روانشناسی شناختی در شیوه های تربیتی
۱۴	رشد و یادگیری عصبی: بینش هایی از روانشناسی رشد.....
۱۷	ساختن پل: ادغام نظریه های روانشناسی در آموزش
۲۰	دیدگاه های تاریخی در مورد رابطه بین روانشناسی و آموزش
۲۳	چارچوب های نظری برای درک هم افزایی مغز
۲۵	روندهای پژوهشی معاصر در آموزش مرتبط با مغز
۲۹	فصل دوم: عصب شناسی یادگیری.....
۲۹	کشف اسرار مغز: مقدمه ای بر علوم اعصاب
۳۲	مکانیسم های عصبی تشکیل و حفظ حافظه
۳۵	نقش احساسات در یادگیری: بینش هایی از عصب شناسی عاطفی
۳۸	مبانی عصبی زیستی توجه و تمرکز در محیط های آموزشی
۴۱	رویکردهای مبتنی بر مغز برای تقویت یادگیری و درک مطلب
۴۴	نوروپلاستیسیته و پیامدهای آن برای مداخلات آموزشی
۴۷	بکارگیری علوم مغز برای بهینه سازی محیط های یادگیری
۵۰	استراتژی های آموزشی سازگار با مغز برای یادگیرندگان متنوع
۵۵	فصل سوم: دیدگاههای روانشناختی در آموزش و یادگیری.....
۵۵	مبانی نظری روانشناسی تربیتی
۵۸	درک نظریه های یادگیری: رفتارگرایی، ساخت گرایی و فراتر از آن
۶۱	انگیزه و یادگیری: بینش هایی از روانشناسی انگیزشی

یادگیری خودتنظیمی: راهبردهایی برای فراشناخت و تعیین هدف	۶۴
نظریه شناختی اجتماعی: یادگیری مشاهده ای و الگوسازی در آموزش و پرورش	۶۷
روانشناسی رشد و تأثیر آن بر عملکرد آموزشی	۷۰
آموزش پاسخگوی فرهنگی: شناخت تنوع در سبک های یادگیری	۷۲
اصول روانشناسی برای مدیریت موثر کلاس درس	۷۶
فصل چهارم: فرآیندهای شناختی و شیوه های آموزشی	۸۱
بررسی فرآیندهای شناختی: ادراک، توجه و حافظه	۸۱
نظریه بار شناختی: بهینه سازی یادگیری با مدیریت منابع شناختی	۸۴
مدل های پردازش اطلاعات و کاربرد آنها در آموزش	۸۶
منابع و مآخذ	۹۱

فصل اول

مبانی هم افزایی مغز

کاوش در تقاطع روانشناسی و آموزش

ادغام روانشناسی و آموزش نوید قابل توجهی برای پیشرفت درک ما از فرآیندهای شناختی، مکانیسم های یادگیری و شیوه های آموزشی دارد. این بخش به بررسی مبانی هم افزایی مغز در ایران می پردازد و به بررسی ارتباط پیچیده بین روانشناسی و آموزش می پردازد. همانطور که در ابعاد مختلف این تقاطع حرکت می کنیم، آشکار می شود که ترکیب این دو زمینه برای توسعه راهبردهای آموزشی مؤثر که نیازهای منحصر به فرد زبان آموزان در ایران را برآورده می کند، بسیار مهم است. این کاوش از طیف گسترده ای از مراجع اخیر استفاده می کند تا درک جامعی از موضوع ارائه دهد.

برای درک مبانی هم افزایی مغز در ایران، کاوش در بافت تاریخی که چشم انداز آموزشی را شکل داده است ضروری است. ریشه های کهن تعلیم و تربیت فارسی، سنت غنی را برجسته می کند که طی قرن ها تکامل یافته است (مظهری، ۱۳۹۷، ص ۴۵). تأثیر فارسی پژوهان و مشارکت های آنان در زمینه هایی مانند فلسفه، پزشکی و ریاضیات، اثری محو نشدنی بر رویه های آموزشی در منطقه بر جای گذاشته است (جوادی و ستوده نما، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲). درک این پس زمینه تاریخی برای زمینه سازی تلاش های معاصر برای ادغام روانشناسی و آموزش در ایران بسیار مهم است.

علیرغم نقاط قوت تاریخی، آموزش و پرورش ایران با چالش های مدرنی روبه رو است که رویکردی چند رشته ای را برای راه حل های مؤثر ضروری می سازد. مسائلی مانند

دسترسی به آموزش با کیفیت، نابرابری های اجتماعی-اقتصادی و تنوع فرهنگی بر تجربیات یادگیری دانش آموزان تأثیر می گذارد (فتحی، ۱۳۹۰، ص ۷۸). ادغام بینش های روانشناختی در چارچوب های آموزشی برای رسیدگی موثر به این چالش ها ضروری است. بکارگیری اصول روانشناختی می تواند سیاست های آموزشی، روش های تدریس و سیستم های حمایت از دانش آموز را تقویت کند و محیط یادگیری فراگیرتر و عادلانه تری را تقویت کند (موحدی و اسلامی، ۲۰۱۹، ص ۲۳۴).

بافت فرهنگی ایران نقشی محوری در شکل گیری تجارب شناختی و آموزشی افراد دارد. ماهیت جمع گرایانه جامعه ایرانی بر انسجام گروهی و روابط بین فردی، تأثیرگذار بر ترجیحات یادگیری و پویایی اجتماعی در محیط های آموزشی تأکید دارد (پورسفر، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷). توجه به این ظرایف فرهنگی برای ادغام موفقیت آمیز روانشناسی در آموزش ضروری است، زیرا استراتژی ها برای اثربخشی نیاز به همسویی با بافت فرهنگی منطقه دارند (رشیدی و صفائیان، ۲۰۲۳، ص ۵۶).

تلاقی علم اعصاب و آموزش در سال های اخیر برجسته شده است و بینش هایی را در مورد مکانیسم های عصبی زیربنایی یادگیری و فرآیندهای شناختی ارائه می دهد. تحقیقات علوم اعصاب انجام شده در ایران کمک قابل توجهی به درک نقش مغز در زمینه های آموزشی کرده است (عسگری، ۱۳۹۹، ص ۳۰۹). ادغام این دانش در شیوه های آموزشی پتانسیل زیادی برای بهینه سازی روش های تدریس، طراحی برنامه درسی و ارزیابی نتایج یادگیری دارد (شفیعی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۷۶).

نظریه ها و چارچوب های روان شناختی ابزارهای ارزشمندی برای طراحی راهبردهای آموزشی مؤثر فراهم می کنند. بکارگیری این نظریه ها در زمینه آموزشی ایران مستلزم درک دقیق عوامل فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی است. کاربرد نظریه های شناختی، مانند سازه انگاری و نظریه اجتماعی-فرهنگی، می تواند شیوه های تدریس را با در نظر گرفتن دانش قبلی، پیشینه فرهنگی و تعاملات اجتماعی فراگیر افزایش دهد (فرامرزی و

نیلی، ۲۰۲۲، ص ۱۲۰). با ترکیب این رویکردهای روان‌شناختی، مربیان در ایران می‌توانند تجارب یادگیری متناسب با جمعیت دانش‌آموزی متنوع ایجاد کنند.

شناخت و تطبیق تفاوت‌های فردی در سبک‌های یادگیری برای پرورش آموزش فراگیر بسیار مهم است. محققان ایرانی تأثیر تغییرات فردی، مانند سبک‌های شناختی و هوش‌های چندگانه را بر نتایج یادگیری مورد بررسی قرار داده‌اند (محمدزاده و خاکباز، ۲۰۱۸، ص ۸۹). تصدیق و پرداختن به این تفاوت‌ها در محیط‌های آموزشی می‌تواند به روش‌های آموزشی شخصی‌شده‌تر و مؤثرتر منجر شود، که نیازهای متنوع دانش‌آموزان را در سراسر ایران برآورده می‌کند.

اجرای موفقیت آمیز رویکرد یکپارچه روانشناسی و آموزش به مربیان آموزش دیده ای متکی است که می‌توانند اصول روانشناختی را در شیوه‌های تدریس خود به کار گیرند. برنامه‌های تربیت معلم در ایران باید بینش‌های روان‌شناختی را در بر گیرد و مربیان را به دانش و مهارت‌هایی برای ایجاد محیط‌های یادگیری حمایتی و محرک مجهز کند (خسروی و احمدی، ۱۳۹۸، ص ۲۱۳). فرصت‌های توسعه حرفه‌ای مستمر برای در جریان نگه داشتن مربیان از آخرین پیشرفت‌ها در روانشناسی و آموزش ضروری است و جامعه آموزشی پویا و پاسخگو را تضمین می‌کند.

تکامل سریع فناوری چشم اندازه‌های آموزشی را در سطح جهانی متحول کرده است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ادغام دیدگاه‌های روان‌شناختی در استفاده از فناوری در آموزش نیازمند رویکردی مدبرانه است. مطالعات اخیر تأثیر ابزارهای یادگیری دیجیتال را بر فرآیندهای شناختی و مشارکت دانش‌آموز در بافت ایرانی بررسی کرده‌اند (میری و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۱۷۸). با گنجاندن اصول روان‌شناختی در طراحی و اجرای فناوری آموزشی، مربیان می‌توانند از پتانسیل آن برای افزایش نتایج یادگیری و مقابله با چالش‌های ناشی از عصر دیجیتال استفاده کنند.

مبانی هم افزایی مغز در ایران، در تقاطع روانشناسی و آموزش، چشم اندازی پویا و در حال تحول را ارائه می‌دهد. ایران با درک بافت تاریخی، پرداختن به چالش‌های کنونی و

ادغام بینش‌های روان‌شناختی در شیوه‌های آموزشی، می‌تواند راه را برای یک محیط یادگیری مؤثرتر و فراگیرتر هموار کند. با بررسی پیچیدگی‌های تأثیرات فرهنگی، علوم اعصاب، آموزش و پرورش و تفاوت‌های فردی، آشکار می‌شود که رویکرد چند رشته‌ای برای شکل‌دهی به آینده آموزش در ایران ضروری است. از طریق تحقیقات مستمر، همکاری و تعهد به توسعه حرفه‌ای، مربیان می‌توانند از قدرت هم افزایی مغز برای بهینه سازی تجربیات یادگیری برای جمعیت متنوع دانش آموزی در ایران استفاده کنند.

درک نوروپلاستیسیته: توانایی مغز برای سازگاری و یادگیری

کشف نوروپلاستیسیته، ظرفیت قابل توجه مغز برای سازگاری و یادگیری، برای درک مبانی هم افزایی مغز در ایران ضروری است. این بخش به مکانیسم‌های پیچیده عصبی و پیامدهای آن برای آموزش و روانشناسی می‌پردازد. همانطور که در این مبحث با استفاده از طیف متنوعی از منابع اخیر حرکت می‌کنیم، هدف ما کشف راه‌هایی است که درک نوروپلاستیسیته می‌تواند به شیوه‌های آموزشی کمک کند و به هم افزایی بین روان‌شناسی و آموزش در بافت ایرانی کمک کند.

نوروپلاستیسیته به توانایی مغز برای سازماندهی مجدد خود با ایجاد اتصالات عصبی جدید در طول زندگی اشاره دارد. این فرآیند پویا به مغز اجازه می‌دهد تا با تجربیات سازگار شود، از آنها بیاموزد و ساختار خود را بر این اساس اصلاح کند. در زمینه آموزش ایرانی، شناخت ماهیت پلاستیکی مغز برای مناسب سازی روش‌های تدریس به منظور بهینه سازی تجربه یادگیری برای دانش آموزان با پروفایل‌های شناختی متنوع ضروری است (شاهیم و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۴۵). درک نوروپلاستیسیته می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای توسعه راهبردهایی باشد که نتایج یادگیری را در محیط‌های آموزشی مختلف در ایران افزایش می‌دهد.

نوروپلاستیسیته نقش اساسی در شکل‌گیری خاطرات و کسب مهارت‌های جدید دارد. تحقیقات اخیر انجام شده در ایران، ارتباط بین نوروپلاستیسیته و تثبیت اطلاعات در حافظه را برجسته کرده است (اصفهانی و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۷۸). شناخت چگونگی

انطباق مغز با اطلاعات و تجربیات جدید می‌تواند مربیان را در طراحی روش‌های آموزشی که بر انعطاف‌پذیری ذاتی مغز سرمایه‌گذاری می‌کنند، راهنمایی کند و منجر به نتایج یادگیری مؤثرتر شود (رحیمی موقر و یزدی، ۲۰۲۲، ص ۲۱۵).

در حوزه روانشناسی، درک نوروپلاستیسیته پیامدهای مهمی برای توانبخشی شناختی دارد. افرادی که به دلیل عوامل مختلف با چالش‌های شناختی روبرو هستند، مانند آسیب یا اختلالات رشد عصبی، می‌توانند از مداخلاتی که قابلیت‌های انطباقی مغز را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بهره‌مند شوند (حسینی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۳۴). روانشناسان ایرانی به طور فعال در حال بررسی رویکردهای مبتنی بر نوروپلاستیسیته برای تقویت برنامه‌های توانبخشی شناختی هستند و راه‌های جدیدی را برای حمایت از افراد دارای اختلالات شناختی باز می‌کنند.

سازگاری مغز صرفاً یک فرآیند ذاتی نیست. همچنین تحت تاثیر عوامل محیطی است. در بافت ایران، محیط فرهنگی-اجتماعی نقش مهمی در شکل‌گیری نوروپلاستیسیته دارد. شیوه‌های آموزشی، پویایی خانواده و انتظارات اجتماعی به تجربیات شناختی افراد کمک می‌کند (کاظمیان و عباسی، ۱۳۹۹، ص ۹۲). شناخت و درک این تأثیرات محیطی بر نوروپلاستیسیته برای انجام مداخلات آموزشی و روانشناختی که با ویژگی‌های منحصربه‌فرد جمعیت ایران همسو باشد، ضروری است.

نوروپلاستیسیته یک فرآیند یکنواخت در طول عمر نیست و دوره‌های حساس و دوره‌های حساسی وجود دارد که در طی آن مغز سازگاری بالایی از خود نشان می‌دهد. محققان ایرانی این جنبه‌های زمانی نوروپلاستیسیته را به ویژه در زمینه اکتساب زبان و رشد شناختی بررسی کرده‌اند (فرهادی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۶۵). درک زمان‌بندی دوره‌های حساس و حساس می‌تواند به شیوه‌های آموزشی کمک کند و بر اهمیت مداخلات اولیه و تجربیات یادگیری هدفمند در طول مراحل رشد تأکید کند.

هم افزایی روانشناسی و آموزش در ایران را می‌توان با ادغام اصول نوروپلاستیسیته در شیوه‌های آموزشی غنی کرد. معلمان، روانشناسان و سیاست‌گذاران آموزشی می‌توانند